

رهیافت حقوق بشر محور به توسعه، زمینه‌ساز پیوند میان حق بر توسعه و توسعه

پایدار

سید قاسم زمانی*

drghzamani@gmail.com

کیوان اقبالی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱

چکیده

حق بر توسعه و توسعه پایدار ماحصل احساس نیاز به پاسخگویی مناسب به عواقب نامطلوب رویکرد کلاسیک به توسعه محسوب شده و در هر یک با نگرستن به مفهوم توسعه از منظری خاص، سعی بر آن گردیده تا به پاسخی مناسب برای مواجهه با آثار نامطلوب توسعه دست یافته شود. در این میان، به نظر می‌رسد که اتخاذ رویکرد حقوق بشر محور در پیشبرد فرایند توسعه، بستری است که در چارچوب آن، امکان تحقق ملاحظات هر دو مفهوم ذکر شده به خوبی میسر خواهد بود. در چارچوب رویکرد مزبور، با عنایت به آثار نامطلوب عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی مدنظر در توسعه پایدار در فرایند توسعه، بر تحقق بسیاری از مصادیق حقوق بشر، توجه به این ملاحظات، در زمره اولویت‌های اجرای هر گونه برنامه توسعه‌ای قرار خواهد گرفت. نکته مهم در این میان آنکه، تضمین حقوق بشر به عنوان غایت مدنظر در چارچوب حق بر توسعه نیز محسوب شده و بنابراین هرگونه موفقیت در تضمین حقوق بشر در فرایند توسعه از طریق رعایت ملاحظات محیط زیستی، می‌تواند به تحقق حق مزبور هم کمک نماید. از سوی دیگر، تلاش برای تحقق توسعه با محوریت حقوق بشر در چارچوب تلاش برای تحقق حق بر توسعه، گام مؤثری در وادار نمودن دولت‌ها به رعایت ملاحظات محیط زیستی و به تبع آن تضمین مسیر یک توسعه پایدار به شمار می‌آید. تضمین بسیاری از مصادیق حقوق بشر مورد نظر در حق بر توسعه در معاهدات الزام‌آوری همچون میثاق حقوق سیاسی و مدنی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بستری است که در چارچوب آن می‌توان هرگونه تعهد دولت‌ها به رعایت ملاحظات محیط زیستی مورد نظر در توسعه پایدار را هم به دلیل تاثیرگذاری مثبت رعایت این ملاحظات بر تحقق مصادیق حقوق بشر فوق‌الذکر، تعهدی الزام‌آور به شمار آورد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، حق بر توسعه، توسعه پایدار، رهیافت حقوق بشر محور به توسعه، رعایت ملاحظات محیط زیستی.

۱- استاد تمام گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. * (مسوول مکاتبات)
۲- عضو هیات علمی پژوهشکده قوه قضائیه، تهران، ایران.

The Human Rights-oriented Approach to Development, Providing the Connection Between the Right to Development and the Sustainable Development

Sayed Ghasem Zamani¹ *

drghzamani@gmail.com

Keivan Eghbali²

Admission Date: May 18, 2022

Date Received: June 21, 2020

Abstract

The right to development and the sustainable development are appropriate responds to adverse consequences of classic approach to development and in each of them, there is a try to look at development from a specific perspective with a goal of finding a appropriate respond to its adverse consequences. It seems that the adoption of a human rights oriented approach in advancing of development process, is a context in which the consideration of both concepts can be well realized. In the framework of this approach and as result of adverse effects of failure to comply with environmental considerations of the sustainable development on realization of the human rights in development policies, Paying attention to these considerations will be among the priorities of any development program. The important point here is that guarantee of human rights is also considered as an main goal in the framework of the right to development, and therefore any success in guaranteeing human rights in development process through environmental considerations, can also contribute to the realization of this right.

Also, the pursuit of human rights-oriented development in the context of the realization of the right to development, is an effective step in forcing states to comply with environmental considerations and, consequently, to ensure the path to sustainable development. the inclusion of human rights considered in the right to development, in the binding international treaties such as the Covenant on Political and Civil Rights and the Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, is a context in which any commitment of states to comply with environmental considerations of sustainable development can be considered as an binding obligation, due to the positive impact of these considerations on realization of above-mentioned human rights cases.

Keywords: Development, the right to development, the Sustainable development, Human rights based approach to development, Observance of environmental considerations.

1- Professor. Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaai University, Tehran, Iran.
*(Corresponding Author)

2- Judiciary Research Institute, Tehran, Iran

مقدمه

از اواسط قرن بیستم نظریه‌های گوناگونی در ارتباط با توسعه در سطح جهانی شکل گرفته که در اکثریت آنها توسعه-یافتگی معادل با رشد اقتصادی در نظر گرفته شده و بر این اساس برابر با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش درآمد سرانه افراد، صنعتی شدن و پیشرفت سطح فن‌آوری در یک جامعه به شمار می‌آید؛ برداشتی از توسعه که با گذشت زمان نواقص آن به مرور آشکار شده و بنابراین ضرورت بازبینی در آن مطرح گردید. به عبارت بهتر، ممکن است در تولید ناخالص ملی رشد چشمگیری حاصل شده، اما صرفاً طبقات ثروتمندتر جامعه از اثرات آن بهره برده و گروه‌های فقیرتر همچنان محروم باقی بمانند. چنین مواردی را نمی‌توان توسعه در معنای حقوق بشری آن محسوب نمود. این واقعیت، ضرورت توجه به حقوق بشر در فرایند توسعه را آشکار ساخته و منجر به شکل‌گیری رهیافت نوینی به توسعه با محوریت تضمین حقوق بشر و عدالت در پیشبرد مسیر توسعه شده است؛ رهیافتی که تجلی آن در مفهوم حق بر توسعه قابل مشاهده می‌باشد. از سوی دیگر تخریب نگران-کننده محیط‌زیست و منابع طبیعی بر اثر اجرای سیاست‌های مبتنی بر دیدگاه کلاسیک از توسعه در نیمه دوم قرن بیستم، جامعه بین‌المللی را به ارزیابی و بازبینی نحوه مدیریت منابع در مسیر توسعه، با هدف رعایت ملاحظات زیست‌محیطی همچنین پایداری منابع طبیعی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه واداشته است؛ تجدید نظری که جلوه بارز آن در ظهور مفهوم توسعه پایدار قابل مشاهده می‌باشد. نکته مهم در این میان آنکه، به نظر می‌رسد توجه به ملاحظات مرتبط با حق بر توسعه و توسعه پایدار، نه تنها بستر لازم برای تضمین حقوق بشر و عدالت میان شهروندان را فراهم خواهد نمود، بلکه پایداری محیط زیست و منابع طبیعی برای نسل حاضر و نسل‌های آینده را هم تامین خواهد کرد. بر این اساس، در تحقیق حاضر سعی بر آن شده تا تعامل احتمالی حق بر توسعه و توسعه پایدار بر تحقق یکدیگر مورد ارزیابی قرار گیرد. از این رو و در بخش اول و دوم، حق بر توسعه و توسعه

پایدار از منظر مفهومی و ساختاری بررسی شده و سپس در بخش سوم، با تحلیل نقاط اشتراک این دو مفهوم، به ویژه از منظر تاکید بر تضمین حقوق بشر در فرایند توسعه، تاثیرگذاری احتمالی هر یک بر محقق شدن دیگری مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱- حق بر توسعه و توسعه پایدار و ضرورت گذر از

دیدگاه‌های کلاسیک در ارتباط با توسعه

پیشرفت و رفاه مادی انسان‌ها و ملت‌ها، همواره از جایگاهی ویژه در پژوهش‌های اقتصادی برخوردار بوده و از محورهای مهم مطالعات اقتصاددانان به‌شمار می‌رفته است (1). نکته مشترک در ارتباط با بسیاری از این تعاریف آنکه در اکثریت آن‌ها، توسعه‌یافتگی معادل با رشد اقتصادی در نظر گرفته شده و بر این اساس برابر با رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص ملی)، افزایش درآمد سرانه افراد، صنعتی شدن و پیشرفت سطح فن آوری در یک جامعه به شمار می‌آید. (2)

رشد اقتصادی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: افزایش بلند مدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هر چه متنوع‌تر اقتصادی به مردم؛ افزایش ظرفیتی که نیازمند پیشرفت تکنولوژی همچنین بسترسازی ساختاری و ایدئولوژیک برای آن می‌باشد. (3) به عبارت بهتر، رشد اقتصادی را می‌توان فرایند پایداری دانست که بر اثر آن و در طی زمان ظرفیت تولید اقتصادی افزایش می‌یابد. (4) بر مبنای دیدگاه کلاسیک درباره توسعه اقتصادی، معیار توسعه، افزایش رشد اقتصادی و افزایش سریع و پایدار تولید سرانه ناخالص داخلی ارزیابی شده است؛ نگرشی که در آن تولید ثروت برای جامعه، عنصر اساسی توسعه تلقی و ارزش‌های دیگری همچون معیار بهبود آزادی فردی، از نقش چندانی برخوردار نمی‌باشند. (5) با این وجود، با پایان دهه شصت میلادی اندک اندک ضرورت طرح ایده‌ای متفاوت از توسعه که در آن با ایجاد توازن بین ملاحظات اقتصادی و اجتماعی، مسیر پیشرفت اجتماعی، معیشت بهتر و رعایت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شهروندان فراهم

گردد، احساس شده و به تدریج زمینه برای این نتیجه‌گیری نزد جامعه بین‌المللی فراهم آمد که با عنایت به تلقی شدن توسعه به عنوان عنصر اساسی برای ارتقاء منافع مشترک بشریت، اهداف دیگر تنها زمانی قابل تحقق خواهند بود که افراد در تمامی جوامع بشری به سطح قابل قبولی از توسعه دست یافته باشند. (6) در همین راستا، از دید کبا ام‌بای^۱ وزیر امور خارجه وقت سنگال که وی را می‌توان در زمره نخستین کسانی دانست که از ظهور یک حق جدید با نام حق بر توسعه خبر می‌دهد (7)؛ همه حقوق و آزادی‌های اساسی به‌طور اجتناب‌ناپذیری به حق حیات، افزایش استانداردهای زندگی و بنابراین به مفهوم توسعه وابسته بوده و بنابراین حق بر توسعه نه تنها می‌بایست به عنوان مصداقی از حقوق بشر در نظر گرفته شود، بلکه بدون وجود آن، اساساً وجود بشر با تهدید مواجه خواهد شد (8). اشتیاق جامعه بین‌المللی به شناسایی یک حق بشری جدید با عنوان حق بر توسعه، در دهه هشتاد میلادی بیشتر شده و نهایتاً با صدور اعلامیه حق بر توسعه به عنوان اولین سند بین‌المللی مرتبط با مفهوم فوق در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ به بار می‌نشیند.

حق بر توسعه را می‌توان به موجب پاراگراف ۱ از ماده ۱ اعلامیه حق بر توسعه چنین تعریف نمود:

«حق بر توسعه، یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم از استحقاق مشارکت، سهمین شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار می‌باشند، به‌نحوی که در چارچوب آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابند» (9)

از پاراگراف مذکور سه اصل قابل استخراج می‌باشد: ۱. حقی غیر قابل انکار با عنوان حق بر توسعه وجود دارد، ۲. فرآیند خاصی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابند، ۳. در چارچوب حق بر توسعه، همه مردم از استحقاق مشارکت، سهمین شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار می-

باشند. (10)

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر، نتایج نامطلوب اجرای برنامه‌های توسعه در سطح ملی و تخریب نگران‌کننده محیط‌زیست و منابع طبیعی، جامعه بین‌المللی را به ارزیابی و بازبینی نحوه مدیریت منابع در مسیر توسعه، به منظور لحاظ نمودن ملاحظات زیست‌محیطی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه واداشته است. (11) توسعه پایدار، مفهومی منبعت از تحمیل الزامات زیست محیطی بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است که نخستین بار در گزارش کمیسیون برانتلند^۲ تعریف شده و سپس در بیانیه کنفرانس ریو ۱۹۹۲ به مثابه یکی از اصول پایه‌ای بهره‌برداری از محیط زیست و حفاظت از آن، شناسائی گردید. (12) اقبال به مبحث توسعه پایدار در قرن بیست و یکم بیشتر شده، به‌نحوی که جایگاه اصلی را در اهداف توسعه^۳ و اهداف توسعه پایدار^۴ خود اختصاص داده است. توسعه پایدار را می‌توان توسعه‌ای دانست که در آن نیازهای نسل حاضر بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان با مخاطره روبرو شود، تأمین خواهد شد. (13) این در حالی است که در توسعه به مفهوم کلاسیک آن، تمرکز بر استفاده حداکثری از منابع طبیعی بدون توجه به منافع نسل‌های فعلی و آینده قرار گرفته است. (14) در توسعه پایدار، تمامی ملاحظات اعم از محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی مورد توجه واقع شده تا در این سه حوزه مستقل که بی‌توجهیشان به همدیگر، موجب تخریب گسترده محیط زیست جهان را فراهم نموده، نوعی سازگاری و هماهنگی ایجاد شود. (12) در این راستا، می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سد گابچیکو - ناگیماروس بین مجارستان و اسلواکی اشاره نمود. در این قضیه که به سبب خودداری مجارستان از انجام تعهدات خویش در ساخت سد مزبور بر اساس قرارداد ۱۹۷۷ طرفین به دیوان ارجاع شده بود، در زمره یکی از مهمترین استدلال‌های مجارستان در عدم انجام تعهدات خود، عامل

2- Brundtland Commission

3- Millennium Development Goals

4- Sustainable Development Goals

1- Keba M'baye

سنگوپتا^۳ گزارشگر مستقل حق بر توسعه در شورای حقوق بشر ملل متحد اعلام داشته، حق بر توسعه حقی است نسبت به رهیافتی ویژه از توسعه که به موجب آن می‌توان تحقق تمامی حقوق و آزادی‌های بنیادین برای شهروندان یک جامعه را تسهیل نموده و بدین ترتیب، ظرفیت و توانایی ایشان را به منظور بهره‌مندی از حقوق خود افزایش داد. ایشان (18) البته دیدگاه حقوق بشری به توسعه را نمی‌بایست با آنچه که از آن با عنوان توسعه انسانی^۴ یاد می‌گردد، یکسان تلقی نمود. (10) در رهیافت توسعه انسانی، در کنار اندازه‌گیری میزان بهره‌وری و رشد اقتصادی در قالب اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی، برخی شاخص‌های اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته که در بین آنها ارتقاء بهداشت، آموزش و رفاه برای همگان و بهبود نظام توزیع درآمدها بیش از بقیه مورد توجه قرار گرفته است. (19) بر این اساس، می‌توان گفت که ارتباط میان حقوق بشر و توسعه اقتصادی در رهیافت مزبور نیز تا حدی مورد تأکید قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، بالا رفتن میزان بهداشت و یا سطح دسترسی به آموزش، به نوبه خود می‌تواند تحقق حق بر بهداشت یا آموزش افراد را تسهیل نماید. (10) حقوق بشر در چارچوب ارزیابی فرآیند توسعه، نقطه اشتراک میان توسعه انسانی و دیدگاه حقوق بشری به توسعه و عصاره آن یعنی حق بر توسعه تلقی می‌شود. با این وجود باید توجه داشت که در شاخص‌های موردنظر توسعه انسانی، مسائلی از قبیل چگونگی تحقق حقوق بشر از طریق فرآیند توسعه و یا چگونگی برنامه‌ریزی برای دستیابی به این حقوق از طریق فرآیند مزبور جایگاه خاصی به خود اختصاص نداده است؛ مسائلی که از جایگاه محوری در رویکرد حقوق بشری به توسعه برخوردار بوده و موجب می‌شود تا فرآیند توسعه در رویکرد فوق اساساً تبدیل به مکمل و ابزاری برای تحقق حقوق بشر شود. (10) این رویکرد حقوق بشری به توسعه، در حق بر توسعه مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. در

ضرورت^۱ به سبب عواقب محیط زیستی اجرای پروژه مذکور از قبیل کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و نابودی حیات وحش منطقه مورد استناد قرار گرفته بود. در این قضیه، دیوان اگرچه به علت نامشخص بودن سطح فوریت مخاطرات محیط زیستی استناد شده توسط مجارستان در صورت اجرای پروژه سد، استدلال این دولت به عامل ضرورت نمی‌پذیرد (15)، اما با استناد به نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۰ در ارتباط با تفسیر ماده ۳۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ملاحظات یک دولت نسبت به محیط-زیست خود را جزیی از منافع اساسی آن تلقی و بنابراین بر لزوم رعایت این ملاحظات نه تنها از طرف دیگر دولت‌ها، بلکه از طرف جامعه بشری در کلیت آن تأکید می‌نماید. (15)

۲- حق بر توسعه و توسعه پایدار، نگاه به توسعه از زاویه

تحقق حقوق بشر و رعایت ملاحظات محیط زیستی

در این قست و پیش از آنکه به بحث تأثیر و تأثر دو مفهوم حق بر توسعه و توسعه پایدار پرداخته شود، سعی بر تبیین مفهومی این دو مفهوم به توسعه شده تا پس از آن و با عنایت به شناخت به دست آمده، به ارزیابی مناسبات مفاهیم مزبور بر محقق شدن یکدیگر مبادرت نمود.

۱-۲ حق بر توسعه، توسعه از منظر حقوق بشر و ابزار

تحقق آن

حق بر توسعه، در برگزیده کلیه حقوق بشر اعم از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و در نتیجه با به واقعیت تبدیل شدن حق مذکور، شاهد تجلی مفهوم واقعی حقوق بشر به نحوی که غیر قابل تقسیم و وابسته به یکدیگر تلقی گردند، خواهیم بود. (16) حق فوق-الذکر خود یک حق مستقل بوده که دستاورد نوعی نگاه حقوق بشری به توسعه تلقی می‌شود؛ دیدگاهی که به موجب آن، توسعه می‌بایست به عنوان ابزاری برای افزایش توانایی، آزادی و رفاه افراد و محقق شدن هر آنچه که برای ایشان مطلوب می‌باشد، به کار گرفته شود. (17) همانطور که آرجون

چارچوب حق بر توسعه، به یک یا چند مصداق حقوق بشری اکتفاء نشده بلکه تحقق تمامی مصادیق گوناگون حقوق بشر در فرآیند توسعه، آن هم به صورتی موازی و پایدار مدنظر خواهد بود. (10) می‌توان گفت که حق بر توسعه فرآیندی از توسعه جوامع انسانی است که در آن تمامی استانداردهای حقوق بشر در نظر گرفته شده و اشکال مختلفی از تمهیدات اجتماعی و اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف توسعه، از طریق تبدیل این اهداف به حقوق بشر افراد همچنین تصریح بر مسئولیت تمامی متعهدین به تحقق حق بر توسعه برای حرکت در مسیر استانداردهای حقوق بشری، تعیین می‌شود. (20)

گذشته از جایگاه ارتقاء حقوق بشر در چارچوب حق بر توسعه، عنصر مهم دیگر مدنظر در مسیر پیگیری تحقق حق فوق، تضمین عدالت و برابری می‌باشد. مسیر توسعه باید به سمتی به پیش رفته باشد که برای همگان امکان رفتار برابر و برخوردار ی یکسان از فرصت‌های ناشی از توسعه مزبور فراهم شده باشد. (21) دو مفهوم برابری و عدالت در محقق شدن حق بر توسعه نقش کلیدی ایفاء نموده، به گونه‌ای که با تحقق حق بر توسعه در ارتباط با اکثریت افراد فقیر و محروم یک جامعه، استانداردهای زندگی همچنین ظرفیت پیشرفت ایشان در زندگی خویش ارتقاء یافته و در نهایت رفاه کل جمعیت بهبود یابد. (20) در حق بر توسعه، مفهوم توسعه فراتر از صرف انباشت ثروت و رشد درآمد ناخالص ملی در نظر گرفته شده و مراد از آن، بیشتر بهبود زندگی یکایک افراد جامعه خواهد بود. (22) در اعلامیه جهانی حقوق بشر، عدالت یک هدف بنیادین در نظر گرفته شده؛ در اعلامیه حق بر توسعه نیز بر این مفهوم تأکید شده که حق بر توسعه متضمن ایجاد یک نظم اجتماعی مبتنی بر برابری بوده و چندین ماده از اعلامیه مذکور بیان کننده مفاهیمی همچون برابری در فرصت، برابری در دسترسی به منابع، برابری در توزیع منافع و برابری در حق بر مشارکت هستند. (22) در چارچوب حق بر توسعه، ملاحظات برابری و عدالت، ساختار کلی توسعه را تعیین نموده و بنابراین فقر را می‌بایست با توانگر ساختن گروه‌های تهیدست کاهش داد؛ همچنین

ساختار تولید باید به گونه‌ای که محقق کننده ملاحظات فوق (برابری و عدالت) باشد، ترتیب یابد. بر این مبنا، اگر چه پیگیری عدالت نباید آثار سوئی بر پیگیری سایر اهداف توسعه نظیر رشد کلی میزان تولید داشته باشد، اما در صورت لزوم انتخاب بین رشد اقتصادی بیشتر و عدالت و برابری گسترده‌تر، برطرف نمودن دغدغه برابری، اولویت خواهد داشت. (23) در کنار عدالت و برابری، نکته پر اهمیت دیگر در بحث حق بر توسعه، اهمیت عنصر مشارکت خواهد بود. در چارچوب حق بر توسعه، توسعه امری مشارکتی بوده و بنابراین تأمین مشارکت حداکثری در ارتباط با فرآیند تضمین حق مزبور، امری ضروری به شمار می‌رود. بر این اساس، در بعد تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تصمیمات باید با مشارکت کامل ذی‌نفع‌ها انجام شده و در نتیجه هرگونه تأخیری در فرآیند فوق که در راستای کمک به تحقق چنین مشارکتی حاصل شود، می‌بایست در نظر گرفته شود. (23)

در این راستا، در پاراگراف ۲ از ماده ۸ اعلامیه حق بر توسعه نیز این چنین بر اهمیت عنصر مشارکت در دستیابی به حق بر توسعه تأکید شده است:

« حکومت‌ها باید مشارکت عمومی در تمامی حوزه‌ها را به عنوان یک عامل مهم در توسعه و تحقق کامل همه مصادیق حقوق بشر، تشویق نمایند. » (9)

در نهایت باید به این مسئله توجه داشت که با توجه به آنچه که در چارچوب رهیافت حقوق بشری به توسعه گفته شد، همانند دیگر مصادیق حقوق بشر که هدف از تضمین آنها تأمین آزادی و زندگی آزادانه برای افراد می‌باشد، مقصد نهایی موردنظر در حق بر توسعه نیز ارتقاء آزادی‌های اساسی انسان تلقی می‌شود؛ آزادی‌هایی که با گسترش آنها نه تنها سطح کیفی زندگی نوع بشر افزایش می‌یابد، بلکه مسیر برای رابطه ارادی، متقابل و تأثیرگذار انسان با جهان اطراف هم فراهم می‌شود. (2) تأکید بر لزوم تحقق آزادی‌های اساسی به عنوان هدف نهایی، در اعلامیه حق بر توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که در بخش پایانی از پاراگراف ۱ از ماده ۱، هدف از محقق گردیدن حق بر توسعه، دستیابی به

سوختهای فسیلی اشاره نمود که با افزایش میزان گازهای گلخانه‌ای! موجب گرم‌تر شدن دمای کره زمین و به تبع آن ذوب گردیدن یخچال‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها خواهد شد؛ وضعیتی که با زیر آب بردن مناطق ساحلی، به نوبه خود سبب از بین رفتن محل سکونت و اشتغال مردم این مناطق و به دنبال آن، آغاز مهاجرت اجباری آنها می‌شود. (25)

اثرات منفی تخریب محیط‌زیست بر اثر اعمال برنامه‌های نادرست توسعه، نه تنها اهداف موردنظر در توسعه اقتصادی همچون بالا بردن سطح امنیت غذایی و یا اشتغال را با ناکامی روبرو خواهد نمود، بلکه با نابود نمودن منابع زیست مردم در حوزه‌هایی همچون کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری ... به ویژه با ایجاد معضلاتی همچون فرسایش خاک، هجوم گسترده‌تر آفات، بالا آمدن سطح آب دریاها و به تبع آن افزایش کمبود مواد غذایی، بیکاری، مهاجرت اجباری و ... خود به عاملی تهدیدکننده در تداوم روند توسعه و ثبات اجتماعی جوامع تحت تأثیر تبدیل خواهد شد. کمبود منابع طبیعی ناشی از تخریب محیط‌زیست حتی می‌تواند به عاملی برای تشدید منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای بین دولت‌ها بر سر دسترسی به منابع موجود تبدیل شده که به نوبه خود با ایجاد مسابقات تسلیحاتی، سهم عمده‌ای از بودجه‌های ملی قابل اختصاص به اموری همچون بهبود آموزش و سلامت عمومی و یا تأمین آب آشامیدنی سالم را به خود اختصاص خواهد داد. (25) به طور کلی و در مقام توصیف پایداری به عنوان ویژگی اساسی توسعه پایدار، می‌توان گفت که پایدار بودن توسعه وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نخواهد نمود؛ توسعه پایدار نوعی عدالت توزیعی است که مراد از آن تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده از یکسو و عام‌الشمول بودن آن (برخورداری همگانی در درون یک نسل از فرصت‌های موجود) از سوی دیگر می‌باشد. (11) عدالت

آزادی‌های اساسی برای همگان اعلام شده است. مفاهیمی همچون درآمد، اشتغال، سلامتی، آموزش یا سایر فرصت‌ها، مجموعاً اشکال مختلف آزادی را تشکیل می‌دهند؛ (24) آزادی‌هایی که نه تنها می‌بایست به عنوان هدف توسعه محسوب گردیده، بلکه خود به نوعی ابزاری در مسیر پیشبرد سایر اهداف توسعه محسوب می‌گردند؛ آزادی‌های سیاسی همچون آزادی بیان و انتخابات به ارتقاء امنیت اقتصادی کمک نموده و بهبود وضعیت اجتماعی از قبیل بالا رفتن سطح بهداشت یا آموزش افزایش در نرخ درآمد سرانه یا اشتغال را تسهیل می‌نماید؛ در مقابل و به نوبه خود بهبود در امکانات و تسهیلات اقتصادی، همچون درآمد سرانه یا اشتغال گسترده‌تر، منابع عمومی لازم برای برخورداری از تسهیلات اجتماعی همچون آموزش و بهداشت را فراهم خواهد نمود. (24)

۲- توسعه پایدار و ضرورت رعایت ملاحظات محیط زیستی در توسعه

در توسعه پایدار، تضمین تداوم توسعه به صورت ماندگار به- نحوی که برخورداری از مواهب توسعه را نه تنها برای نسل حاضر، بلکه بر نسل‌های آینده نیز تضمین نماید، تنها در صورتی میسر خواهد بود که نوعی هماهنگی میان فعالیت- های مرتبط با توسعه و محیط‌زیست پیرامون به وجود آمده باشد؛ عدم توجه به محیط‌زیست در برنامه‌های ملی توسعه، عواقب وخیمی برای توسعه جوامع در بسیاری حوزه‌ها همچون تأمین امنیت غذایی یا بهداشتی و یا حتی تأمین اشتغال مناسب به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال، استفاده از روش‌های غیر اصولی در کشاورزی، همچون آبیاری غیر علمی یا استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی به فرسایش خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن، آلودگی منابع زیرزمینی آب و مقاومت شدن آفات منجر خواهد شد؛ مسئله‌ای که در نهایت با گذاشتن تأثیر منفی بر سطح تولید محصولات کشاورزی، می‌تواند به کمبود مواد غذایی، گرسنگی و حتی قحطی در جوامع با جمعیت رو به رشد منتهی گردد. (24) همچنین می‌توان به استفاده بی‌رویه از

بهداشت و سلامت عمومی مردم جامعه به عنوان منابع انسانی مورد نیاز برای تداوم پیشبرد مسیر توسعه محسوب خواهد شد. (26)

در چارچوب توسعه پایدار، با ادغام ملاحظات زیست‌محیطی و اقتصادی در استراتژی‌های توسعه، تلاش می‌گردد تا از یک-سو امکان تداوم بهره‌برداری مناسب آن دسته از افراد جامعه که معیشت ایشان در وابستگی مستقیم به منابع مزبور قرار گرفته، تأمین شده و از سوی دیگر زمینه بقاء و حفاظت از منابع فوق فراهم شود؛ توافقی که عدم توجه به آن و پیشبرد برنامه‌های توسعه بدون در نظر گرفتن ملاحظات زیست-محیطی و الزامات مرتبط با پایدار نگاه‌داری منابع طبیعی لازم برای تولید، همچون خاک، آب و...، کاهش پایداری این منابع و به تبع آن کاهش سطح تولیدات اقتصادی وابسته به آنها را به دنبال خواهد داشت؛ کاهش تولیدی که با عنایت به وابستگی معیشت برخی افراد به آن، باعث بروز مشکلاتی همچون کمبود مواد غذایی و گسترش بیکاری و تبع آن افزایش فقر در بین این دسته از افراد و خانواده‌هایشان خواهد شد. (26) ادغام ملاحظات محیط‌زیستی، اقتصادی، اجتماعی در توسعه پایدار از جایگاه اساسی در دیدگاه مزبور برخوردار می‌باشد؛ چنین ادغامی پیش از هر چیز نیازمند ملزوماتی است که در زمره مهمترین آنها می‌بایست از مشارکت همگانی نام برد. از منظر توسعه پایدار، با عنایت به همه‌جانبه بودن برنامه‌های توسعه، تأمین مشارکت همگانی اقشار مختلف جامعه در این مسیر ضرورت دارد. (26) به سبب پیچیدگی و گستردگی مسائل پیشرو در برداشت مزبور از توسعه، دولت‌ها ناگزیر از مشارکت دادن تمامی بخش‌های ذی نفع جامعه در تنظیم و اجرای قوانین و برنامه‌های با محوریت توسعه پایدار و به تبع آن گنجاندن ملاحظات و خواسته‌های ایشان در برنامه‌های ذکر شده می‌باشند. (25) مشارکت ذینفع‌ها موجب می‌شود که دولت‌ها بتوانند با رعایت نیازها و احتیاجات گروه‌های ذینفع، دست به انتخاب آگاهانه

میان نسلی^۱ از نقش مهمی در توسعه پایدار برخوردار می‌باشد. در چارچوب توسعه مذکور، سه رکن اساسی برای عدالت بین نسلی قابل توضیح می‌باشد که به ترتیب عبارتند از: ۱. هر نسلی موظف بوده تا منابع طبیعی در اختیار خود را برای نسل‌های آینده نیز حفظ و به ایشان انتقال دهد، ۲. نسل حاضر وظیفه دارد تا منابع در اختیار خویش را همانگونه که از نسل پیشین تحویل گرفته به نسل آینده انتقال دهد، ۳. لازمه وجود عدالت بین نسل حاضر و نسل آینده در برخورداری از منابع طبیعی، وجود عدالت و دسترسی همگانی به منابع مذکور در میان نسل حاضر می‌باشد، چرا که بدون وجود چنین عدالتی در بین اعضای نسل فوق، نمی‌توان وجود آن در بین نسل‌های مختلف را نیز انتظار داشت. (25) در کنار عدالت بین نسلی و درون نسلی، نکته مهم دیگر شایسته توجه در ارتباط با توسعه پایدار، نگاه همه‌جانبه در این رهیافت به فرآیند توسعه می‌باشد. از منظر توسعه پایدار، تأکید بر رعایت ملاحظات محیط‌زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، نه تنها به سبب حفاظت از محیط‌زیست، بلکه از منظر اهمیت و نقش محیط‌زیست سالم در پیشبرد موفقیت‌آمیز مسیر توسعه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز ضرورت دارد (26) به عنوان مثال، در توسعه پایدار با هدف تأمین سلامت عمومی، بر لزوم اتخاذ و اجرای استراتژی‌های مناسب به منظور تسهیل در دسترسی عمومی به آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب‌همچنین ایجاد تاسیسات رفع آلودگی از هوا تأکید می‌گردد. (26) چنین استراتژی‌هایی در صورت موفقیت، نه تنها به عنوان گامی بلند در تأمین سلامت عمومی و جلوگیری از شیوع بیماری‌ها تلقی شده، بلکه با جلوگیری از آلوده شدن منابع آب یا خاک به دلیل عدم نشت فاضلاب و گازهای سمی، راهکاری سودمند در جهت حفاظت از محیط‌زیست هم به‌شمار می‌آیند. به-صورت متقابل، وجود یک محیط‌زیست سالم (به ویژه در ارتباط با آب، هوا و خاک عاری از آلودگی)، عاملی مهم برای حفاظت از جامعه در برابر بیماری‌ها و در نتیجه ارتقاء

1- Intergenerational Equity
2- Sanitation

زده و گروه‌های مزبور نیز بتوانند از حقوق خود محافظت نمایند. (14)

۳- پیوند توسعه پایدار و حق بر توسعه، از منظر

ضرورت تحقق مصادیق حقوق بشر در فرایند توسعه

با مقایسه‌ای ساده، می‌توان مشابهت‌های قابل ملاحظه‌ای میان توسعه پایدار و حق بر توسعه ملاحظه نمود. در هر دو مفهوم، عنصر عدالت جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. عدالت در امکان مشارکت در فرآیند توسعه و برخورداری از مواهب آن عنصر اساسی در حق بر توسعه محسوب شده، به‌گونه‌ای که با تحقق حق بر توسعه در ارتباط با اکثریت افراد فقیر و محروم جامعه، استانداردهای زندگی ارتقاء یافته و ظرفیت پیشرفت ایشان در زندگی تقویت می‌گردد، وضعیتی که در نهایت بهبود رفاه جامعه در کلیت آن را به‌دنبال خواهد داشت. (20) در چارچوب توسعه پایدار نیز تأکید بر وجود عدالت میان نسلی و درون نسلی، ستون بنیادین توسعه تلقی می‌شود؛ با برآورده شدن عدالت میان نسلی، عدالت در بهره‌برداری از منابع طبیعی همچنین رفاه توسعه ناشی از آن برای نسل‌های مختلف تأمین خواهد شد (27)؛ همچنین با عدالت درون نسلی نه تنها برخورداری از فرصت‌های برابر برای نسل آینده، بلکه در درون افراد نسل حاضر هم تضمین خواهد شد؛ چرا که بدون وجود عدالت و برابری بین نسل حاضر در بهره‌برداری از منابع موجود و رفاه حاصل از توسعه ناشی از آن، فراهم شدن چنین امکانی برای نسل‌های آینده قابل تصور نخواهد بود. (28) صرف‌نظر از عدالت و برابری، عنصر پر اهمیت دیگر در بحث حق بر توسعه، مبحث مشارکت عمومی می‌باشد. در چارچوب حق بر توسعه، توسعه مطلوب مستلزم تأمین مشارکت همگانی در فرایند آن بوده و در توسعه پایدار نیز به دلیل نیاز به همه جانبه بودن توسعه، مشارکت عمومی شهروندان جامعه از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد. بر این اساس، می‌توان چنین گفت که با توجه جایگاه ممتاز دو عنصر عدالت همگانی و مشارکت عمومی در پیشبرد هرگونه برنامه توسعه در هر دو مفهوم حق بر توسعه و توسعه پایدار، پیشرفت در

مسیر تحقق هر یک از دو مفهوم فوق‌الذکر در رابطه با تحقق عدالت همگانی و همچنین مشارکت عموم شهروندان در فرایند توسعه جامعه خود، می‌تواند به تسهیل در پیشبرد مسیر تضمین اهداف مفهوم دیگر، آن هم در زمینه دو عنصر ذکر شده، منجر شود. اما فارغ از پیوندهای ذکر شده، به نظر می‌رسد که پیوند اصلی میان حق بر توسعه و توسعه پایدار را می‌بایست در جایگاه والای تضمین حقوق بشر در چارچوب این دو مفهوم جستجو نمود.

۱-۳ توسعه پایدار و نقش آن در تضمین توسعه حقوق

بشر محور

بررسی اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار، حکایت از آن دارد که امروزه ضرورت توجه به حقوق بشر در مسیر دستیابی به توسعه پایدار مورد تأکید و توجهی اساسی قرار گرفته است. رابطه حقوق بشر و مباحث توسعه پایدار رابطه‌ای دو سویه محسوب شده، به‌گونه‌ای که از یکسو هرگونه عدم موفقیت در مسیر توسعه پایدار، اثراتی منفی بر حقوق بشر برجای گذاشته و از سوی دیگر موفقیت در تضمین حقوق بشر شهروندان در فرایند توسعه، بستری مناسب را برای پیشبرد اهداف توسعه پایدار هموار خواهد نمود. همان‌گونه که گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط‌زیست شورای حقوق بشر، آقای کنوکس^۱ اعلام می‌نماید، عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، عواقب وخیمی بر برخورداری بشر از حق بر حیات، حق بر برخورداری از بالاترین استانداردهای سلامت روانی و جسمانی، حق بر غذا، حق بر دسترسی به آب آشامیدنی سالم، حق بر برخورداری از مسکن مناسب و ... بر جای می‌گذارد. (29) به‌عنوان نمونه، از بین رفتن حاصلخیزی خاک به دلیل عدم رعایت ملاحظات زیست محیطی در برنامه توسعه کشاورزی و استفاده بی‌رویه از آفت‌کش‌ها، می‌تواند به کاهش قابلیت تولید زمین‌های کشاورزی و کاهش تولید مواد غذایی منجر شود؛ مسئله‌ای که می‌تواند با ایجاد کمبود مواد غذایی، به نقض حق افراد

1- John H. Knox
2- sticides

نمودن دولت‌ها به تلاش بیشتر در جهت حرکت در مطابقت با اهداف فوق تبدیل نمود. (36) به دیگر سخن، معاهدات الزام-آور حقوق بشری همچون نهادهای نظارتی مرتبط با آنها را می‌بایست ابزارهایی سودمند در متعهد نمودن دولت‌ها به رعایت ملاحظات محیط‌زیستی به‌شمار آورد. به عنوان نمونه، می‌توان به مصادیق ذکر شده در اسناد الزام‌آور مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود؛ حقوقی که تضمین بسیاری از آنها ارتباط مستقیمی با رعایت ملاحظات مدنظر در توسعه پایدار داشته و می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در مسیر وادار نمودن دولت‌ها به در نظر گرفتن ملاحظات محیط‌زیستی در استراتژی‌های توسعه به کار گرفته شود. در این رابطه می‌توان به حق بر غذا، حق بر خورداری از مسکن مناسب و حق بر سلامت اشاره نمود. (37)

تخریب محیط زیست بر اثر نادیده گرفته شدن ملاحظات محیط‌زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، عامل مهمی در نقض حقوق افراد در حوزه‌هایی همچون حق بر غذا، حق بر سلامت، حق بر اشتغال و حق بر برخورداری از مسکن مناسب به‌شمار رفته و می‌تواند موجبات مسئولیت و محکومیت دولت‌ها نزد مراجع حقوق بشری را فراهم نماید. در این ارتباط، قضیه مردم اوگونی (Ogoni) در نیجریه که توسط کمیسیون آفریقایی حقوق بشر رسیدگی شده، مثالی شایسته ذکر می‌باشد. در این قضیه نمایندگان جامعه بومی اوگونی با استناد به تعهدات دولت نیجریه به موجب منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، شکایتی را بر علیه این دولت با ادعای نقض چندین مورد از حقوق مصرح در منشور آفریقایی به ویژه حق بر سلامت و حق بر محیط‌زیست سالم افراد قبیله مزبور مطرح نمودند. (38)؛ نقض‌هایی که از دید خواهان‌ها، علت اصلی آنها را می‌بایست در اقدامات نادرست دولت در ارتباط با عملیات استخراج منابع نفتی محل سکونت قبیله اوگونی در دلتای رود نیجر، از قبیل عدم نظارت بر نحوه غیر اصولی استخراج نفت توسط شرکت‌های نفتی چند ملیتی و در نتیجه ایجاد آلودگی شدید در منطقه همچنین سرکوب خشونت‌بار اعتراضات مردم بومی توسط نیروهای امنیتی

برای دسترسی به غذای کافی منجر شود. (30) به عنوان مثالی دیگر، می‌توان به آلودگی هوا، آب یا خاک بر اثر رشد صنایع آلاینده اشاره کرد که منجر به ایجاد تهدیدی جدی در ارتباط سلامت افراد ساکن در مناطق آلوده و در نتیجه در معرض تهدید قرار گرفتن حق بر سلامت یا حتی حق بر حیات ایشان شده است. (31) همچنین باید به گرم‌تر شدن دمای کره زمین و تبع آن ذوب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح دریاها بر اثر انتشار گازهای گلخانه‌ای که خود حاصل استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی می‌باشند، اشاره نمود؛ پدیده‌ای که با به زیر آب بردن مناطق ساحلی و وادار نمودن ساکنان این نواحی به مهاجرت اجباری و با از بین بردن محل سکونت و اشتغال این افراد، موجبات نقض حق بر مسکن مناسب و یا اشتغال شایسته ایشان را فراهم می‌نماید. (32) در حقیقت، امروزه تغییرات آب و هوایی را هم می‌بایست در زمره چالش‌های پیشروی تحقق حقوق بشر و به تبع آن حق بر توسعه محسوب نمود. (33) بر این اساس، اتخاذ رویه‌های توسعه پایدار محور در هنگام تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، نقشی مهم در حفاظت از حقوق بشر برجای گذاشته، چرا که عدم توجه همه‌جانبه به ملاحظات زیست‌محیطی در سیاست‌گذاری‌های توسعه، می‌تواند عواقب بسیار ناگواری در رابطه با تضمین حقوق بشر افراد به دنبال داشته باشد. (34)

۲-۳ هم‌راستایی میان ملاحظات مرتبط با توسعه حقوق بشر محور با ملاحظات محیط‌زیستی در توسعه و نقش آن در تحقق توسعه پایدار

در کنار امکان تلقی وجود محیط زیست سالم به عنوان ابزاری برای تحقق حقوق بشر، این امکان وجود دارد تا تحقق برخی حق‌های بشری را هم به عنوان ابزاری برای تضمین ملاحظات محیط‌زیستی مورد نظر در توسعه پایدار به کار گرفت. (35) به عبارت بهتر، با عنایت به درج بسیاری از مصادیق حقوق بشر در معاهدات الزام‌آور بین‌المللی، می‌توان تأکید بر پیوند اهداف موردنظر در توسعه پایدار با مصادیق حقوق بشر مرتبط با آنها را به ابزار مؤثری در مسیر وادار

تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا در راستای تلاش برای بهبود وضعیت حفاظت از محیط‌زیست و توسعه پایدار، کلیه اقدامات مقتضی به منظور حمایت از حقوق بشر افراد را اتخاذ نمایند. (39)

در توافقنامه پاریس در مورد تغییرات آب و هوایی هم به صراحت به ضرورت تلاش دولت‌ها برای رعایت تعهدات حقوق بشری خویش، در هنگام اتخاذ اقدامات مقتضی در مسیر مبارزه با تغییرات آب و هوایی تأکید شده است. در مقدمه این موافقتنامه، در مقام ذکر حقوق بشر لازم‌الرعايه از جانب دولت‌ها در هنگام اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور مقابله با تغییرات آب و هوایی و در کنار حقوقی همچون حق بر سلامت و حق بر غذا، به حق بر توسعه نیز اشاره شده است. (40) امروزه توجه به اهمیت تضمین مصادیق حقوق بشر در تحقق ملاحظات توسعه پایدار به چنان جایگاهی دست یافته که برخی سخن از شکل‌گیری حقی جدید با عنوان حق بر محیط‌زیست سالم^۱ به میان آورده‌اند؛ حقی که در صورت شناسایی در چارچوب یک سند بین‌المللی الزام آور^۲، خود به عنصر مهمی در پیشبرد اهداف توسعه پایدار تبدیل شده، چرا که موجب خواهد شد تا از این پس رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌های توسعه و ادغام آن با ملاحظات اقتصادی و اجتماعی نه از طریق تأکید بر تضمین دیگر مصادیق حقوق بشر، بلکه با تکیه بر لزوم رعایت ملاحظات مزبور به عنوان جزئی از تعهدات مقرر برای دولت‌ها در ارتباط با یک حق بشری خاص، یعنی حق بر محیط‌زیست سالم میسر شود.

۳-۳ تأکید بر تضمین حقوق بشر در فرایند توسعه، دستور کار ۲۰۳۰ و پیوند میان توسعه پایدار و حق بر توسعه

جستجو نمود. (38) کمیسیون با اشاره به تکلیف مقرر برای دولت‌های عضو منشور آفریقایی در رابطه با تضمین حق بر سلامت و همچنین حق بر محیط‌زیست سالم مردم خویش، بر تعهد دولت‌ها به بررسی و لحاظ نمودن آثار سوء احتمالی هرگونه پروژه اقتصادی بر سلامت و محیط‌زیست جوامع تحت تأثیر آن پروژه تأکید نموده و اطلاع‌رسانی دولت‌ها به جوامع فوق‌الذکر و تأمین امکان مشارکت نمایندگان ایشان در فرآیند تصمیم‌گیری برای نحوه پیشبرد پروژه را ضروری اعلام می‌دارد. (38) کمیسیون آفریقایی با ارزیابی رفتار دولت نیجریه در نحوه بهره‌برداری از منابع نفتی دلتای رود نیجر، رفتار دولت مزبور را به سبب عدم اعمال هرگونه نظارت بر فرآیند استخراج غیر اصولی نفت توسط شرکت‌های خارجی، عدم تأمین مشارکت مردم منطقه در فرآیند مرتبط با سیاستگذاری پروژه، عدم اطلاع‌رسانی به مردم منطقه در رابطه با عواقب بهداشتی و زیست‌محیطی پروژه همچنین سرکوب خشونت‌بار اعتراضات ایشان، مصداقی از نقض تعهدات آن در ارتباط با تضمین حق بر سلامت و حق بر محیط‌زیست سالم مردم اوگونی اعلام نموده است. (38) درخواست نهایی کمیسیون از دولت نیجریه برای اصلاح عملکرد خود از طریق اتخاذ تدابیری همچون پرداخت غرامت به آسیب‌دیدگان و فراهم آوردن امکان اسکان مجدد ایشان، لحاظ نمودن ملاحظات زیست‌محیطی در هرگونه برنامه‌ریزی آتی برای بهره‌برداری از منابع منطقه، تسهیل مشارکت مؤثر مردم منطقه در برنامه‌ریزی‌های مزبور و همچنین دسترسی ایشان به اطلاعات مرتبط با مخاطرات زیست‌محیطی احتمالی ناشی از اجرای طرح‌های اقتصادی (38)، مثالی آشکار از نقش مؤثر یک نهاد حقوق بشری در هدایت نمودن دولت‌ها در مسیر اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای هم‌راستا با اهداف توسعه پایدار، آن هم از طریق استناد به لزوم حمایت از حقوق بشر افراد در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، محسوب می‌شود. اهمیت توجه به حقوق بشر در مباحث توسعه پایدار از دید مراجع بین‌المللی حقوق بشر نیز پنهان نمانده، تا به آنجا که کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ از

1- Right to a Healthy Environment

۲- علی‌رغم عدم شناسایی رسمی حق بر محیط زیست سالم در اسناد جهانی الزام‌آور در حوزه حقوق بشر، حق مزبور در برخی اسناد منطقه‌ای همچون منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و قوانین اساسی بیش از یکصد دولت مورد شناسایی قرار گرفته است.

ملاحظات توسعه پایدار در فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه تبدیل شود.

پیوند یافتن ملاحظات حقوق بشری مدنظر در حق بر توسعه با ملاحظات محیط زیستی مورد توجه در توسعه پایدار به میزان زیادی در سند ۲۰۳۰ تجلی یافته است. البته رعایت حقوق بشر در چارچوب توسعه پایدار از همان ابتدای مطرح شدن این مفهوم نیز کاملاً مورد بی توجهی نبوده و به عنوان مثال در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم به عنوان نخستین کنفرانس بین‌المللی با موضوع توسعه پایدار، این چنین بر اهمیت حقوق بشر در رهیافت توسعه پایدار تأکید شده است: هر دو جنبه محیط‌زیست انسانی، طبیعت و انسان ساخته، در تضمین حقوق بشر وی، به ویژه حق بر حیات از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشند. (41) با این وجود به نظر می‌رسد که با آشکار شدن ارتباط میان رعایت حقوق بشر با پیشبرد اهداف توسعه پایدار، تأکید مزبور در دستور عمل ۲۰۳۰ به حد اعلاى خود رسیده است. در این دستورالعمل که به موجب قطعنامه مجمع عمومی با عنوان «تبدیل جهان ما: دستورالعمل ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»^۱ در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵ تصویب شده، لزوم رعایت حقوق بشر در دستیابی به اهداف توسعه پایدار به وضوح مورد توجه واقع شده و به صورتی صریح اعلام شده که دستور کار جدید در مطابقت با منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، دیگر معاهدات حقوق بشری و اسنادی از قبیل اعلامیه حق بر توسعه تدوین شده است. (42) همچنین بر مسئولیت تمامی دولت‌ها مبنی بر احترام، حمایت و ارتقاء حقوق بشر و آزادی-های اساسی برای همگان، بدون هرگونه اعمال تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و دیگر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی و... تأکید گردیده است. (42) در حالی که در اهداف توسعه هزاره تنها با ۸ هدف، تمرکز جامعه بین‌المللی بیشتر بر مسائل اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته بود، در اهداف توسعه پایدار با گسترش اهداف به ۱۷ هدف و ۱۶۹ شاخص، مسائل بیشتری مورد توجه قرار گرفته که به

تأکید بر رعایت حقوق بشر افراد در چارچوب پیگیری اهداف توسعه پایدار را می‌بایست پیوند دهنده توسعه مزبور با حق بر توسعه نیز محسوب نمود. غایت مدنظر در حق بر توسعه، دستیابی شهروندان به حقوق بشر خویش در فرایند توسعه جامعه و تأمین امکان تداوم یک زندگی آزادانه برای ایشان از طریق استیفاء حقوق مزبور بوده و بدیهی است که پیوند یافتن ملاحظات محیط زیستی با رعایت حقوق بشر و در نتیجه تأکید بر لزوم رعایت حقوق بشر در چارچوب توسعه مدنظر در توسعه پایدار، تأثیر مثبت قابل ملاحظه‌ای در هدایت توسعه به سمت مطلوب حق بر توسعه و تحقق غایت آن یعنی توسعه حقوق بشر محور و دستیابی افراد به حقوق بشر خویش در فرآیند توسعه خواهد داشت. از سوی دیگر، پیوند یافتن حفاظت از محیط‌زیست در فرآیند توسعه با رعایت قواعد الزام‌آور مرتبط با تضمین حقوق بشر، گامی مؤثر در وادار نمودن دولت‌ها به لحاظ نمودن ملاحظات محیط زیستی در برنامه‌های توسعه ملی و به تبع آن پیشبرد مسیر یک توسعه پایدار تلقی می‌شود؛ زیرا با توجه به نقش پیش گفته حفاظت از محیط‌زیست در جریان پیشبرد برنامه-های توسعه، بر تضمین دسترسی شهروندان به حقوق بشر خود، از این پس تعهد دولت‌ها به رعایت ملاحظات محیط زیستی، دیگر نه تنها به خاطر صرف رعایت این ملاحظات در چارچوب‌های کلاسیک توسعه پایدار بلکه به سبب تاثیر رعایت ملاحظات فوق بر سطح دسترسی افراد به مصادیق حقوق بشر و در نتیجه در ارتباط مستقیم با تعهدات دولت‌ها در ارتباط با تضمین حقوق بشر شهروندان خویش اهمیت خواهد یافت. بنابراین هرگونه پیشرفت در مسیر توسعه حقوق بشر محور مدنظر در حق بر توسعه، یعنی تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه با محوریت تضمین مصادیق حقوق بشر اعضای جامعه هدف، به دلیل ارتباط یافتن مستقیم حفاظت از محیط‌زیست با بسترسازی برای تحقق مصادیق مزبور، با رعایت ملاحظات مدنظر در توسعه پایدار هم پیوند مستقیم یافته و می‌بایست در هر گونه تلاش با محوریت محقق شدن حق بر توسعه مورد عنایت قرار گیرد. چنین تأکیدی به نوبه خود می‌تواند به بستر مناسبی برای رعایت

1- Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development

گام بلندی در پیشبرد توسعه پایدار، بلکه گامی مهم در مسیر فراهم گردیدن امکان دستیابی به حق بر توسعه و رفاه برای همه اعضای جامعه نیز تلقی می‌شود.

نتیجه گیری

در برداشت کلاسیک از توسعه، توسعه با صرف افزایش تولید ناخالص ملی و بالا رفتن درآمد سرانه افراد حاصل می‌شود؛ دیدگاهی که آثار نامطلوب آن در دهه‌های اخیر بیش از پیش آشکار شده است. در زمره چنین آثار آثاری از یکسو افزایش فاصله طبقاتی، ناعدالتی، فقر و عدم دسترسی به حقوق بشر مقتضی برای یک زندگی سعادت مندانه برای بسیاری از اعضای جامعه قابل اشاره بوده و از سوی دیگر ایجاد آلودگی - های زیست محیطی و نابودگی منابع طبیعی که نه تنها زندگی نسل حاضر بلکه حیات نسل‌های آینده را در بر خورداری از محیط زیست سالم همچنین بهره‌مندی از منابع طبیعی در دسترس برای ایجاد یک زندگی توأم با آسایش با مشکلات جدی مواجه کرده است، قابل ذکر هستند. این وضعیت ضرورت بازبینی جدی در نگرش به توسعه را آشکار نموده که دو مفهوم حق بر توسعه و توسعه پایدار از جمله مهمترین ثمرات این بازبینی به شمار می‌روند. در هر دو مفهوم، عنصر عدالت جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است؛ عدالت در امکان مشارکت در فرآیند توسعه و برخورداری از مواهب آن عنصر اساسی در حق بر توسعه تلقی و در توسعه پایدار نیز تأکید بر وجود عدالت میان نسلی و درون نسلی، ستون بنیادین توسعه موردنظر در این رهیافت محسوب می‌شود. همچنین در هر دو، لزوم مشارکت همگانی در فرآیند پیشبرد توسعه جامعه جایگاه اساسی به خود اختصاص داده است. بر این مبنا، بدیهی است که توفیق در تضمین ملاحظات هر یک از دو مفهوم فوق‌الذکر در رابطه با تحقق عدالت همگانی و همچنین مشارکت عموم شهروندان در فرآیند توسعه جامعه خود، تسهیل کننده عدالت و مشارکت عمومی موردنظر در مفهوم دیگر خواهد بود. اما فارغ از پیوندهای ذکر شده، تأکید بر ضرورت تضمین و تحقق مصادیق حقوق بشر اعضای جامعه در مسیر توسعه

میزان بسیار مؤثری پوشش دهنده دغدغه‌های حقوق بشری نیز محسوب می‌شوند. بسیاری از اهداف توسعه پایدار پیوند نزدیکی با حقوق بشر داشته و به عنوان مثال اهدافی همچون هدف شماره ۱۶، یعنی جوامع صلح دوست و فراگیر، دربرگیرنده بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی از قبیل حق بر امنیت فردی، حق بر دسترسی به عدالت و حقوق مرتبط با آزادی‌های اساسی می‌باشد. (43) در واقع، اگرچه اهداف توسعه پایدار به‌صورتی صریح در چارچوب حقوق بشر تعریف نشده، اما اکثر اهداف به‌گونه‌ای تنظیم شده که استانداردهای مدنظر در تحقق مصادیق گوناگون حقوق بشر را منعکس می‌نماید. اهداف مذکور، با تأکید بر لزوم تأمین مالی و بالا بردن سطح کیفیت و تسهیل دسترسی در حوزه‌های آموزش، سلامت و آب آشامیدنی، بستر مناسبی برای تحقق حقوق افراد در این حوزه‌ها را فراهم می‌آورد. با نگاهی تحقیقی به اهداف ۱۷ گانه و ۱۶۹ شاخص تدوین شده در چارچوب اهداف توسعه پایدار، انعکاس مصادیق گوناگون حقوق بشر را می‌توان به صورت آشکار مشاهده نمود. (43) بخش اعظم اهداف توسعه پایدار مقرر در سند ۲۰۳۰ با مصادیق گوناگون حقوق بشر هم‌پوشانی دارد؛ مسئله‌ای که موجب می‌شود تا نه تنها موفقیت دولت‌ها در پیشبرد مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار، هموار کننده مسیر تحقق حق بر توسعه، یعنی دستیابی افراد به حقوق بشر خود و آزادی ناشی از استیفای آنها بر اثر توسعه جامعه محسوب شود، بلکه به‌صورتی متقابل هرگونه پیشرفت در مسیر تحقق حق بر توسعه، گامی رو به جلو در تضمین تحقق اهداف توسعه پایدار تلقی گردد. (44) می‌توان گفت که اگرچه سند ۲۰۳۰ به منظور تحقق توسعه پایدار تدوین شده، اما با نگاهی به اهداف مقرر در سند مزبور، آشکار می‌شود که بسیاری از این اهداف به ابزاری سودمند برای دستیابی نسل حاضر به حق بر توسعه خویش تبدیل شده‌اند. تحقق بسیاری از اهداف مقرر در سند ۲۰۳۰، همچون مبارزه با فقر، بهبود وضعیت بهداشت، دسترسی همگانی و برابر به آموزش، تضمین رفاه همگانی، تضمین عدالت برای همه و... در مسیر توسعه جوامع (43)، نه تنها

2. Sen, amartya, (2015). Development as Freedom, Translated by Vahid Mahmoodi, Tehran: University of Tehran Press (In Persian)
3. Mohammadzadeh Assal, Nazi, (2002). "The Test of Neoclassical Growth Theory", Economic Research, Issue.14, pp.73-100. (In Persian)
4. Jahanian, Nasser. (2007). "The Foundations of Just Economic Development in Islam". Scientific Research Quarterly of Islamic Economics, Vol. 7, Issue.25, pp.157-178. (In Persian)
5. Salimi Turkamani, Hojjat, (2013). "International Sustainable Development Law, from Lexfranda to Lexlata", Encyclopedia of Economic Rights, Vol.19, Issue. 2, pp.44-73(in Persian)
6. Kuznets, Simon. (1973). "Modern Economic Growth: Findings and Reflections", American Economic Review, American Economic Association, Vol.6, No.3, pp.247-258
7. Lawrence Barsh, Russel.(1991). "The Right to Development as a Human Right: Results of the Global Consultation", Human Rights Quarterly, Vol.13, No.3, pp.322-338
8. Brems, Eva. (2001). Human Rights: Universality and Diversity, Hague: Martinus Nijhoff Publishers
9. 9-A/RES/41/128, Declaration on the Right to Development, 4 December 1986
10. Sengupta, Arjun. (2000). Second Report of the Independent Expert on the Right to Development to General Assembly, A/55/306, United Nation General Assembly, New York
11. Zahedi, Shamsalsadat& Njafi, Gholamali, (2006). "Conceptual

آن، عنصری است که با بسترسازی برای توسعه حقوق بشر محور، پیوند اصلی را میان حق بر توسعه و توسعه پایدار ایجاد نموده است. عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی در اجرای سیاست‌های توسعه‌ای مدنظر در چارچوب توسعه پایدار، آثار نامطلوبی بر تحقق بسیاری از مصادیق حقوق بشر به‌دنبال داشته و بر این اساس، توجه به ملاحظات توسعه پایدار در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، می‌تواند نقشی مهم در تضمین توسعه با اولویت تامین حقوق بشر افراد جامعه به عنوان غایت مدنظر در چارچوب حق بر توسعه و به تبع آن تحقق حق مزبور ایفاء نماید. از سوی دیگر توجه به ملاحظات توسعه پایدار از منظر توسعه حقوق بشر محور مدنظر در حق بر توسعه می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد به منظور موفقیت بیشتر در پیشبرد مسیر توسعه پایدار به کار گرفته شود؛ چرا که با عنایت به درج بسیاری از مصادیق حقوق بشر مورد انتظار در توسعه حقوق بشر محور در معاهدات الزام‌آور بین‌المللی همچون میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تأکید بر لزوم تامین ملاحظات محیط زیستی توسعه پایدار در فرایند توسعه، به دلیل نقش اساسی آنها در ایجاد بستر لازم برای تحقق مصادیق حقوق بشر، می‌تواند با پیوند دادن ملاحظات ذکر شده به تعهدات الزام‌آور دولت‌ها در ارتباط با تضمین حقوق بشر شهروندان خود، نقشی مؤثر در وادار نمودن آنها به تلاش بیشتر در جهت حرکت در مطابقت با اهداف توسعه پایدار و به تبع آن تضمین مسیر چنین توسعه‌ای ایفاء نماید. بر این مبنای، حتی در سند ۲۰۳۰ در راستای پیگیری تحقق اهداف توسعه پایدار نیز اگرچه به صورتی صریح، سعی در تعریف اهداف در چارچوب حقوق بشر نشده، اما اکثر اهداف به گونه‌ای تنظیم شده که استانداردهای مدنظر در تحقق مصادیق گوناگون حقوق بشر را بیان و پیگیری می‌نمایند.

References

1. Farahanifar, Saeed, (2005). "Sustainable Development Based on Justice", Journal of Islamic Economics, Issue.19, pp.91-122. (In Persian)

18. Dembri, Mohammad-Salah (2001), The Right to Development, Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development, Commission on Human Rights Fifty-Seventh Session, E/CN.4/2001/26, Commission on Human Rights, Geneva
19. Caplan, Pat. (1994). the Meaning of Development: The Example of Mafia, Mafia Island, Tanzania, CHAMAMA.
20. Sengupta, Arjun (2013), conceptualizing the Right to Development for the Twenty-first Century, Realizing the Right to Development: Essays in Commemoration of 25 Years of the United Nations Declaration on the Right to Development, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights Publication, New York and Geneva
21. Sengupta, Arjun (2001), Third Report of the Independent Expert on the Right to Development, Mr. Arjun Sengupta, Submitted in Accordance with Commission Resolution 2000/5, Commission on Human Rights Fifty-seventh Session, E/CN.4/2001/WG.18/2, Commission on Human Rights Fifty-seventh Session, Commission on Human Rights, Geneva
22. Razmi, Mohammad Javad and Seddighi, Somayeh, (2012). "Requirements for Realizing Good Governance to Achieve Human Development", the fourth National Economic Conference, Khomeyni Shahr, Iran. (In Persian)
23. Sengupta, Arjun, (2004). "On the Theory and Practice of the Right to Development", translated by Development of Sustainable Development", Teacher of Humanities, Vol.10, Issue.4, pp.43-76. (In Persian)
12. Ramazani Ghavamabadi, Mohammad Hossein & Shafighfar, Hassan, (2016). "Sustainable Development and Right to a Healthy Environment: Contradiction or Companionship", World Politics: a Quarterly Journal, Vol. 5, Issue. 1, pp.241-271. (In Persian)
13. Emas, Rachel. (2015). The Concept of Sustainable Development: Definition and Defining Principles. See information in https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5839GSDR%202015_SD_concept_definition_rev.pdf
14. Ramazani Ghavamabadi, Mohammad Hossein, (2015). "Green Economy: a Step towards Sustainable Development in International Law", Encyclopedia of Economic Rights, Vol. 21, Issue. 6, pp.114-141. (In Persian)
15. Gabcikovo-Nagymaros Project, Hungary v Slovakia, 25 September 1997, ICJ
16. Shaygan, Farideh, (2009). The Right to Development, Tehran: Gerayesh. (In Persian)
17. Sengupta, Arjun (1999), First report of the Independent Expert on the Right to Development, Study on the Current State of Progress in the Implementation of the Right to Development Submitted by Mr. Arjun K. Sengupta, Independent Expert, Pursuant to Commission Resolution 1998/72 and General Assembly Resolution 53/155. E/CN.4/1999/WG.18/2, Commission on Human Rights, Geneva

32. United Nations High Commissioner for Human Rights (2009), Annual Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights and Reports of the Office of the High Commissioner and the Secretary-General, A/HRC/10/61, Human Rights Council, Geneva.
33. Akram, Zamir (2017), Report of the Working Group on the Right to Development on its Eighteenth Session, A/HRC/36/35, Human Rights Council, Geneva.
34. Mirabbasi, Seyyed Bagher and Rozi Mirabbasi, (2016). The Position of the Principle of Sustainable Development in the Realization of Human Rights from the Perspective of International Law, Tehran: Jangal. (In Persian)
35. Mashhadi, Ali, (2013). The Right to a Healthy Environment (Iranian-French Model), Tehran: Mizan. (In Persian)
36. Centre for International Sustainable Development Law (CISDL)(2009), International Human Rights and International Sustainable Development Law, for the World Summit on Sustainable Development Johannesburg, Montreal, Canada
37. A/RES/2200 A (XXI), International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 16 December 1966.
38. Communication No. 155/96, 27 October 2001, ACHPR
39. Commission on Human Rights (CHR)(2003), Human Rights and Environment as Part of Sustainable Development, E/CN.4. /2003/71, Commission on Human Rights, Geneva.
40. Paris Agreement on Climate Change, 12 December 2015.
- Manoochehr Tavassoli Jahromi, International law Review, Vol.21, Issue. 30, pp.179-250. (In Persian)
24. the World Commission on Environment and Development (1987), Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future. Oxford University Press, New York, USA.
25. Dernbach, John C. (1998). "Sustainable Development as a Framework for National Governance", Case Western Reserve Law Review, Vol. 49, No.1, pp.1-103.
26. United Nations Conference on Environment & Development, Agenda 21, 14 June 1992.
27. Eftekhar Jahromi, Gudarz, (2009). "Human Rights, Environment and Sustainable Development", Legal Reserach Quaterly, Vol. 12, Issue 50 - Serial Number 50, pp.9-24(in Persian)
28. Soubbotina p., Sheram. (2000). A. Beyond Economic Growth, the World Bank, Washington D.C
29. Knox, John H. (2013). Report of the Independent Expert on the Issue of Human Rights Obligations Relating to the Enjoyment of a Safe, Clean, Healthy and Sustainable Environment, A/HRC/25/53, Human Rights Council. Geneva
30. Elver, Hilal. (2017). Report of the Special Rapporteur on the Right to Food, A/HRC/34/48, Human Rights Council, Geneva.
31. Adel Ghorani, Azam and Bamdad Riahi-Zanjai. (2016). "Effects of air pollution on human health and practical measures for prevention in Iran", Journal of Research in Medical Sciences, Vol.21, No.65, pp.1-12.

- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). See information in: <https://www.ohchr.org/en/issues/sdgs/pages/the2030agenda.aspx>
44. Alfararghi, Saad (2017), First Report of the Special Rapporteur on the Right to Development, A/HRC/36/49, Human Right Council, Geneva
41. A/CONF.48/14/Rev.1, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 16 June 1972.
42. A/RES/70/1, Transforming Our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development, 21 October 2015.
43. Human Rights and the 2030 Agenda for Sustainable Development(2015),